

## باسمه تعالی

عنوان درس:	درس خارج فقه الصلاة	سال تحصیلی:	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۸/۳
عنوان فرعی ۱	حد تقصیر - بررسی روایات			
عنوان فرعی ۲	جلسه شانزدهم			
عنوان فرعی ۳	بررسی حجیت مراسیل و مسانید مشایخ ثلاثة			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین سجاد آریس و اصغر حیدری			

## حد تقصیر :

بررسی حجیت مراسیل و مسانید مشایخ ثلاثه :

## خلاصه بحث گذشته

بحث ما در حجیت مراسیل و مسانید مشایخ ثلاثه بود ، یا به تعبیری دیگر شهادت شیخ و اصحاب بر وثاقت من ارسل عنهم المشایخ الثلاثه ، و گفتیم که بحث ما در مطلب ششم بود در این مطلب ششم درباره اشکالاتی بحث می کردیم که بر حجیت این شهادت وارد شده است .

گفتیم اشکال اول اشکالی است که مرحوم آقای خوئی ره وارد کرده اند ، حاصل این اشکال این است که این یک شهادت حدسی است و شهادت حسی نیست .

## بررسی اشکال مرحوم خوئی ره بر شهادت شیخ ره

مرحوم آقای خوئی ره بر حدسی بودن این شهادت دلائل و قرائنی را ذکر می کنند :

## دلیل اول مرحوم خوئی ره

اولین دلیل برای حدسی بودن این شهادت این است که این شهادت را مرحوم شیخ ره از اینکه اعتقاد داشته بر تسویه اصحاب بین مسانید و مراسیل این تسویه را استنباط فرموده اند و این تسویه درست نبوده است. مرحوم شیخ ره خیال کرده که اصحاب بین مراسیل و مسانید تسویه کرده اند بر این اساس این شهادتش را اظهار کرده است . در حالی که تسویه اصحاب بین مراسیل و مسانید مشایخ ثلاثه در شهادت شیخ ، چنین چیزی نبوده این شهادت یک شهادت حدسی بوده و این تسویه در عمل اصحاب

ثابت نیست. این را ایشان با چند دلیل می خواهند اثبات کنند که اصحاب چنین عملی (تسویه بین مسانید و مراسیل مشایخ ثلاثه) نداشته اند و شیخ ره بر اساس اجتهاد خودش گمان کرده اینجا تسویه ای وجود دارد در حالی که چنین تسویه ای وجود نداشته است.

دلیل بر اینکه چنین تسویه ای وجود نداشته این است که:

لو كانت هذه التسوية صحيحة و امرا معروفا متسالما عليه بين الاصحاب لذكرت في كلام احد من القدماء لا محاله و ليس منها في كلماتهم عين و لا اثر.<sup>۱</sup>

چون اشاره ای به این تسویه در کلام اصحاب نیست معلوم می شود که چنین چیزی نبوده است و تنها شیخ ره ظن تسویه کرده و بر اساس آن حکم به این شهادت کرده است.

## جواب اشکال مرحوم خوئی ره

### جواب اول

ما از این فرمایش جناب آقای خوئی جواب دادیم جواب اول ما این بود که ایشان می گویند تسویه نبوده ، چرا ؟ به این دلیل که اگر چنین تسویه ای در عمل اصحاب می بود این را می گفتند و تصریح می کردند به این که بین مراسیل و مسانید این بزرگواران ما قائل به تسویه هستیم و اعلام می کردند ، در حال که اثری از این اعلام و از این ذکر وجود ندارد.

<sup>۱</sup> : معجم الرجال ، ج ۱ ص ۶۴

گفتیم در بحث بین اینکه این تسویه در عمل وجود داشته باشد ولی معروف بین اصحاب نباشد و ذکرش هم نکرده باشند ملازمه ای وجود ندارد. گفتیم موارد زیادی داریم و بلکه مصادیق زیادی از اتفاق اصحاب بر مطلبی داریم که "لم يذكر اتفاقهم بالكلام" ولی اتفاقهم در عمل بوده است. بله بعدها یه کسی از فقهاء آمده و گفته این اتفاق قائم است. و در همین راستا اشاره کردیم به مواردی و گفتیم مرحوم شیخ مفید ره کتابی دارد تحت عنوان "الاعلام بما اتفقت علیه الامامیه من الاحکام" با اینکه این چیزهایی که ایشان می فرماید ما اتفاق علیه الامامیه خیلی از آنها برای اولین بار مرحوم شیخ مفید گفته اتفقت علیه الامامیه و لم يذكر من سبق علیه این اتفاق را.

## جواب دوم

جواب دوم ما از این ادعای مرحوم آقای خوئی که این تسویه، تسویه ی استنباطی مرحوم شیخ ره بوده و در عمل اصحاب نبوده است، کلام نجاشی ره است. که حالا اگر فرض کنید که این ادعای تسویه برای شیخ حدسی و استنباطی بوده خوب مرحوم نجاشی ره هم نظیر این شهادت را دارند که موید شهادت شیخ ره است. نمی شود بگوئیم هم شیخ یک چنین استنباطی کرده و مرحوم نجاشی هم همین استنباط را کرده است. استنباطی که حدسی باشد باید منشاء داشته باشد همینجوری نمی شود همان حدس را که شیخ داشته نجاشی هم داشته باشد.

کلام مرحوم نجاشی ره که در این رابطه می فرمایند:

## فلهذا اصحابنا یسکنون الی مراسیله<sup>۲</sup>

آن وقت نمی توانیم بگوئیم مرحوم نجاشی ره هم ادعایش یک ادعای استنباطی و حدسی بوده است. این مبعّد این احتمال است. بنابراین تایید می کند که نه این ادعایی که در کلام شیخ آمده ادعای استنباطی نبوده بلکه برای ایشان محسوس بوده و یک چیزی را در عمل دیده و بر همان شهادت می دهد.

## جواب سوم

جواب سوم اینکه این عبارتی که در کلام شیخ ره آمده یا حتی در کلام نجاشی ره، این عبارت قابل حمل بر استنباط حدسی نیست. مرحوم شیخ عبارتش این است که "و لذلک عملوا بمرسلهم" شهادت بر عمل می دهد. یه وقتی شهادت بر یک حکمی می دهد در اینجا می شود گفت شهادت بر این حکم مثلاً استنباطی باشد. اما وقتی شهادت بر عمل می دهد و می گوید این ها به این چیز عمل می کنند عمل یک امر محسوسی است. عمل یک امر نامحسوس نیست. عمل مثل فکر و اندیشه نیست که نامحسوس باشد عمل یک امر محسوس خارجی است.

خوب ظاهر مطلب این است که وقتی کسی می گوید فلان کس عمل می کرد یا عملی را انجام می داد یعنی من دیدم که دارد انجام می دهد و الا ما از روی استنباط که نمی توانیم بگوئیم عمل می کرد. مثلاً اگر کسی در عرف آمد و گفت که مثلاً فرض کنید که "عمل فلان بقول فلان"، اگر کسی آمد شهادت داد که فلانی به کلام فلانی عمل می کرد، دیگر نمی شود بگوئیم این شهادت حدسی است بلکه عمل یک

<sup>۲</sup>: رجال النجاشی ص ۳۲۷

امر محسوس است و تا محسوس نباشد برای آدم ثقه جایز نیست که بگوید عمل می کند ، نمی شود از روی حدس شهادت بر عمل داد .

عمل خودش فی ذاته امر محسوسی است و یک امر نامحسوس نیست که بخواهد بر مبنای یک استنباط شهادت بر عمل انجام بگیرد . در کلام شیخ ره و همچنین کلام نجاشی ره هم که می گوید یسکنون الی مراسیله این سکون بر مراسیل هم یک عمل است. نمی شود گفت هم شیخ و هم نجاشی عبارتی را به کار برده اند که این عبارت ظهور در محسوس بودن و ظهور در شهادت حسی داشته باشد اما بگوئیم نه خیر مرادشان مثلاً حدسی بودن مطلب است . یعنی عمل اصحاب را از کجا می گوئید؟ آیا دیدید؟ نه خیر حدس می زنم که آنها عمل می کردند. همچنین چیزی نه در شهادت شیخ و نه در شهادت نجاشی معقول نیست.

خلاصه ظهور عبارت شیخ ره و نجاشی ره در این است که شهادتشان یک شهادت حسی است نه شهادت حدسی ، چون متعلق این شهادت امر محسوس فی ذاته است ، چون متعلق این شهادت امر محسوس است لذا جایز نیست که بر یک امر محسوسی شهادت عن حدس بدهند .

مثلاً بگوید فلان کس مثلاً میوه ای را می خورد بعد بگویند از کجا می گوئید ؟ بگوئیم ما حدس می زنیم که می خورد ، چنین چیزی نمی شود چون خوردن یک امر محسوس است وقتی می گوید خورد یا مثلاً فلان کس رفت فلان جا معنی اش این است که من دیدم که خورد یا فلان جا رفت.

نمی شود کسی شهادت بدهد و بگوید من دیدم فلانی رفت فلان جا اما بعد بگوئیم از کجا معلوم که رفته باشد ؟ و بگوئیم که ما حدس می زنیم که رفته باشد. این نمی شود چون خلاف ظاهر و خلاف وثاقت در کلام یک شاهد است و لذا همچنین احتمالی منفی است.

سکون عمل است و عمل امر محسوسی است و اگر کسی شهادت به امر محسوسی بدهد به اینکه "هذا الامر المحسوس اتفق" یعنی من دیدم که این عمل واقع شده است. چون مشهود علیه یک امر محسوس است لذا شهادت بر یک امر محسوس قاعدتا ظهور در شهادت حسی دارد و حمل آن بر شهادت حدسی و ظنی و اجتهادی یک تاویلی بر خلاف ظاهر است و این حمل بر خلاف ظاهر برای ما جائز نیست مگر اینکه قرینه ای در کلام خود متکلم باشد.

وقتی می گوید: عملوا این یعنی "رایتهم عملوا" نه اینکه در استنباط و اجتهاد من این گونه است که عمل می کنند. یعنی اگر صرف اجتهاد بود نباید بگوید که عملوا مثلا بگوید فی ظنی یا اری یا أعتقد یا... اما این ها را نگفته است بلکه گفته "یعملون" و متعلق شهادت یعملون است و این یک امر حسی است و ظهور در شهادت حسی دارد.

### جواب چهارم

را بعا در رد این دلیل اول ایشان بر حدسی بودن می گوئیم، اینکه ایشان فرمود اگر این تسویه صحیح بود "لذکرت فی کلام اصحاب"، خوب مرحوم کشی ره در شهادت مفصلی که بیان می کند در ضمن آن ابن ابی عمیر و بزنطی و صفوان هم هستند.

مرحوم کشی ره می فرمایند:

تسمیه الفقهاء من أصحاب أبي إبراهيم و أبي الحسن الرضا عليهما السلام، أجمع أصحابنا على تصحيح ما يصح عن هؤلاء و تصديقهم و أقرؤا لهم بالفقه و العلم: و هم ستة نفر آخر دون الستة نفر الذين ذكرناهم في أصحاب أبي عبد الله (ع) منهم يونس بن عبد الرحمن و صفوان بن يحيى بياع السابري و محمد بن أبي عمير و عبد الله بن المغيرة و الحسن بن محبوب و أحمد بن محمد بن أبي نصر و قال بعضهم: مكان الحسن بن محبوب: الحسن بن علي بن فضال و فضالة بن أيوب و قال بعضهم: مكان ابن فضال: عثمان بن عيسى و ألقه هؤلاء يونس بن عبد الرحمن و صفوان بن يحيى.<sup>۳</sup>

پس اینکه مرحوم خوئی ره می گویند کسی قبل از شیخ ره این مطلب را نگفته است این درست نیست و مرحوم کشی ره قبل از شیخ ره این را گفته است . و ظهور کلام کشی ره هم در همین مطلب است . بنابراین اینکه ایشان می فرماید که هیچ کس نگفته درست نیست و در کلام کشی ره هست.

حالا اینکه ایشان می گوید که این کلام کشی ظهور در این ندارد این را بعدا مناقشه می کنیم. ولی ما می گوئیم که کلام کشی ره هم ظهور در همین مطلب دارد .

به هر حال اینکه ایشان می گوید کسی قبل از شیخ ره و نجاشی ره این مطلب را نگفته است این نادرست است چون مرحوم نجاشی این مطلب را گفته است.

می خواهیم بگویم همه عبارات شهادت بر توثیق عملی اصحاب نسبت به "من یروی عنهم هؤلاء الثلاثة یا ثمانیه عشر" است . هؤلاء الثمانیه عشر اگر به شهادت خصوص کشی ره رجوع کنیم چون مرحوم کشی بر ۱۸ نفر شهادت می دهد سه تا ۶ نفر از اصحاب امام باقر و صادق علیهما السلام و ۶

<sup>۳</sup> : رجال الکشی ، ص ۵۶



نفر از اصحاب امام صادق علیه السلام و ۶ نفر از اصحاب امام کاظم و امام رضا علیهما السلام که در ضمن این ۱۸ نفر هم این سه تا (ابن ابی عمیر، صفوان، بزنی) هستند. مرحوم شیخ ره هم وقتی شهادت بر این سه نفر را آورند بیان کردند که اضرابهم هم همینگونه هستند. یعنی مرحوم شیخ حصر نمی کنند شهادتش را بر خصوص این سه تا لکن چون این سه تا ابرز از این مجموعه بودند این ها را ایشان آورده است. به هر حال اینکه ایشان بفرمایند از کلام شیخ در کلام اصحاب اثری نیست خوب این اثر به این بزرگی در کلام مرحوم کشی ره وجود دارد.

"والسلام علیکم ورحمه الله"